

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**المملكة العربية السعودية**

**وزارة التعليم العالي**

**جامعة أم القرى**

**مكتبة الملك عبدالله بن عبدالعزيز الجامعية**

**قسم المخطوطات**

بداية المصطلح

وجعل فيها سراجا

بسم الله الرحمن الرحيم  
تبارك الذي جعل في السماء بروجا وقمرًا منيرًا وهو الذي جعل الليل والنهار  
خلفه لمن اراد ان يذكره واورد شكه **بسم الله الملك المليك** صياح وجعلنا  
سراجا وهاجا افروخته حكت اوست ورايت آيت **وانزلنا من العصور ماء شحاحا**  
افراخته ارادتك شريك قادرى كه راصد حك وباني مشتق اطباق سموات سبع راض  
عده وعده و رابطه اعضاد ومدد بيد قدرت **فخ السماوات بغير عدد** بر افراشت وصفايح  
افلاک را خاتمہ نقشند **انا زينا السماء الدنيا بزينه الكواكب** بصور جود در چند هزار  
کواکب ثواب ثوابت و سيار بياراست بر مقصود **والارض بعد ذلك حيا** روى هلمون  
بوقولن را بفرمان کونکون بانواع بدايح واصناف ضايح محلا و من کونکون اندوز مود  
وموليد وجود انسان را بر کبريه رقم اختصاص **فقد خلقنا الانسان في احسن تقويم** بر صفة  
حال و کشيده بد چه علياء **ولقد کرمنا بنى آدم** رسانيد و بر موجب **تلك الارض فضلا** **مهم**  
**على** ردا و فضيلت بر دوش منقب صاحب سالتى که آستين بز ريش بطراز لولا الما  
خلق الافلاک مطراست نداشت و حکم فرموده اصحاب و الجنوم بايهم اقديم اقديم اولاد  
واخفاء واصحاب اجاب و لکه نجوم سهوا ماتت و شمس جهان کرامت اند خلعت خلافت  
امامت مخصوص و ممتاز ساخت **يا ايها الذين امنوا صلوا عليهم و سلوا تسليما** اما بود جنز و كيد  
عباد الله و احوجم الى الله المستعان **الغيبك بن شاهرخ** بن محمد **كوز** كان احسن الله تع احواله و اعلم  
آماله که با تفرع بال و تکر اشغال از تکمل مصالح ام و تعهد مناجح بنى آدم بر مقصود المرء  
بمناجحة هکمه و قصارى فهمت بر حراز قصبات کمال و استجماع ما ترفل و افضال محصور  
داشته اتمه سحر جيل و زمه جد جنيل بجانب استحصا حقايق علميه و استحصا رذقايق

و

مطوف و مصروف اند تا توفيق الهى رفیق شفیق این ضعیف کشته بر وفق موده طلب  
شیا وجد وجد بقل فطنت خامه فکر غوامض علوم و دقایق فنون را سماع علوم حکم که بتعبیر  
ولدیان و اختلاف کلمه زمان غبار تغیر و تبدل بر این آن نکرده میزد و مکوف کرد ایند و جوی  
باری علیه از خانه کرم عیم **وان من شئ الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم** این سده فقیر  
بصحن موهبتی عظیم و مکرمتی کبری شرف اختصاص و امتیاز بخشید خواست نامضوت از آن نا  
تدل علینا فانظر و بعدنا الى الآثار بر کتابه غایب نگار روزگار نکاشته آید و رایت افتخار و  
برقمه قبه فلک و دار افراشته رصد ستارگان اختصار فرمود و باعانت و امداد حضرت  
وسند علامه العالم ناصب ریایات الفضل و الحكم سألک الله التحقيق ناهج منابع التدقیق  
صلاح المله و الدین موسی المشهور بقاضی زاده روى علیه الرحمة و الغفران و حضرت مولانا الاعظم  
الحکماء فی العالم مکمل علوم الاولیاء کاشف معضلات المسائل مولانا غیاث الدین حمید بر د الله محمد  
مینه ک شمع انجمن دانش و ری بلجام جهان نامی فضل کسری بود اتفاق شروع افتاد و در  
حال حضرت استادى شکر الله مساعیه بچار رحمت و رد کار بیوست بر اتفاق فرزندان احمد  
علی بن محمد قوشچی که در حدیث سز و عنقوان شایق صفت السبق در مضمار فنون علوم بنوع رده  
که امید واثور و بجا محتو است که صیت ما تراز علی اقرب الزمان و اسرع الاوان با طراف و کما  
جهان منتشر و متفیض کرد انشاء الله العزیز بعون عنایت الهی و فیض فضل نامتناهی این مهم خطیر عیس  
رسانیده آمد و آنچه از روش ستارگان بر صدر و امتحان معلوم شد در روزگار شایق افتاد  
بجهان مغاله ملتزمان محاسن شیم و بدایح کرم بز کار صدر نشین و حکماء خورده بین الوجود  
بر سهوی و خطیای که در انسان صفت لازمی است اطلاع یا بند ملبوس و مستود اردند و عاذر را  
نه عاذر اوست و معاینه مظهر ثبات تا کسوت اعمال ایشان بطراز **الذین يستمعون القول**  
**فیتنبهون احسنه اولیک الذین هدینا الله و اولادکم و اولادکم و اولادکم** مطهر کرد و فرغوا و صلوا فامه

مولانا مفسر و معنی داری  
طایفه ندی **اجمادى** الله  
نموده از دار الفنون  
اجابت بلقی  
جهان بدار السور و جهان رحمت خود  
و در آثناء حال ایشان که آن مهم  
و بر داخته آید حضرت م  
تعلیم مشکار و خامه کوه دکار  
آنچه قابل صلاح بود نصیب  
فرمانند و آنچه از حد توهم و  
نقد بصریح باشد برین مفهوم



هجری است و تاریخ فور و تاریخ روم و تاریخ ملکی و تاریخ خطا و ایغور و هر  
یک در محل خود گفته شود انشاء الله العزیز **باب اول**  
**در معرفت تاریخ هجری** اول این تاریخ اول محرم آن سال بوده است که بیغیر ما محمد  
مصطفی علیه الصلوٰه والسلام از مکه بدرینه هجرت کرده است و آن با مراد وسط بخشینه  
بوده است بر وقت آذینه و ما بخشینه کریم و اهل شرع ماههای این تاریخ را از  
رویت هلال یا رویت هلال گیرند و آن هر گز از بی روز زیادت نباشد و از بیست  
و نه روز کمتر نیست و تا چهار ماه متوالی می آید و زیاده فی و تا سه ماه متوالی  
بیست و نه بیت و نه آید و زیاده فی و هر دو زیاده ماه را سالی گیرند پس سالها  
و ماهها باعتبار ایشان قمری حقیقی باشد و منجمن محرم را سی و یک روز و صفر را  
بیست و نه و همچنین یکماه را سی و یکماه را بیست و نه گیرند تا آخر سال و در هر سی سال  
یازده بار ذی الحجه را سی می گیرند و آن در سال دوم و پنجم و هفتم و دهم و سیزدهم  
و بانزدهم و هجدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و ششم و بیست و نهم باشد  
و این یازده سالهای کبیسه باشد و در لفظ بهن جمع ادا و ط جمع است و بعضی  
بجای بانزدهم شانزدهم را کبیسه دارند پس بتیبت بفریح ادا و ط باشد پس باعتبار  
منجمن سالها و ماهها قمری اصطلاحی باشد و برای معرفت مدخل سال و بیست و  
دو بیست و ده از سالها ناقصه هجری طرح کنند تا دو بیست و ده یا کمتر از دو بیست  
مانند بر آن بر سی قیمت کنند و خارج قسمت را در پنج ضرب کنند و نگاه دارند پس در  
سالها تمامه باقی از قیمت بتیبت بهر جمع ادا و ط نظر کنند که چند سال کبیسه است  
و چند غیر کبیسه عدد سالها کبیسه را در پنج و غیر کبیسه را در جهان ضرب کنند و آنچه

بسیار از تاریخ هجری که کواکب  
و الفهرست در آن است از ترتیب  
در ضرب اعداد تمامه  
الک

نگاه داشته اند جمع کنند و پنج بر آن افزایند بعد از آن از مجموع هفت هفت طرح کنند  
تا مدخل سال ناقصه مطلوب معلوم شود و برای مدخل ماه مطلوب عدد ماهها تا  
و تر در تضعیف کنند و با عدد ماهها تمامه شفع بر مدخل سال افزایند و از مجموع هفت  
طرح کنند باقی مدخل ماه مطلوب باشد و جهت معرفت مدخل سال جد و لی نهاده ایم  
که جزو آن سالها ناقصه هجری دو بیست و ده  
دو بیست و ده طرح کنند و باقی در جدول  
مدخل محرم آن سال معلوم شود و برای معرفت  
مدخل هر ماه که خواهند جدول دیگر آوریم

**مدخل سالها ناقصه هجری**

سال	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	س	ص	م	ث	قف
۱	۰	۶	۱	۷	۲	۸	۳	۹	۴	۱۰	۵	۱۱	۶	۱۲
۲	۱	۷	۲	۸	۳	۹	۴	۱۰	۵	۱۱	۶	۱۲	۷	۱۳
۳	۲	۸	۳	۹	۴	۱۰	۵	۱۱	۶	۱۲	۷	۱۳	۸	۱۴
۴	۳	۹	۴	۱۰	۵	۱۱	۶	۱۲	۷	۱۳	۸	۱۴	۹	۱۵
۵	۴	۱۰	۵	۱۱	۶	۱۲	۷	۱۳	۸	۱۴	۹	۱۵	۱۰	۱۶
۶	۵	۱۱	۶	۱۲	۷	۱۳	۸	۱۴	۹	۱۵	۱۰	۱۶	۱۱	۱۷
۷	۶	۱۲	۷	۱۳	۸	۱۴	۹	۱۵	۱۰	۱۶	۱۱	۱۶	۱۲	۱۸
۸	۷	۱۳	۸	۱۴	۹	۱۵	۱۰	۱۶	۱۱	۱۶	۱۲	۱۷	۱۳	۱۹
۹	۸	۱۴	۹	۱۵	۱۰	۱۶	۱۱	۱۶	۱۲	۱۷	۱۳	۱۸	۱۴	۲۰
۱۰	۹	۱۵	۱۰	۱۶	۱۱	۱۶	۱۲	۱۷	۱۳	۱۸	۱۴	۱۹	۱۵	۲۱
۱۱	۱۰	۱۶	۱۱	۱۶	۱۲	۱۷	۱۳	۱۸	۱۴	۱۹	۱۵	۲۰	۱۶	۲۲
۱۲	۱۱	۱۷	۱۲	۱۷	۱۳	۱۸	۱۴	۱۹	۱۵	۲۰	۱۶	۲۱	۱۷	۲۳
۱۳	۱۲	۱۸	۱۳	۱۸	۱۴	۱۹	۱۵	۲۰	۱۶	۲۱	۱۷	۲۲	۱۸	۲۴
۱۴	۱۳	۱۹	۱۴	۱۹	۱۵	۲۰	۱۶	۲۱	۱۷	۲۲	۱۸	۲۳	۱۹	۲۵
۱۵	۱۴	۲۰	۱۵	۲۰	۱۶	۲۱	۱۷	۲۲	۱۸	۲۳	۱۹	۲۴	۲۰	۲۶
۱۶	۱۵	۲۱	۱۶	۲۱	۱۷	۲۲	۱۸	۲۳	۱۹	۲۴	۲۰	۲۵	۲۱	۲۷
۱۷	۱۶	۲۲	۱۷	۲۲	۱۸	۲۳	۱۹	۲۴	۲۰	۲۵	۲۱	۲۶	۲۲	۲۸
۱۸	۱۷	۲۳	۱۸	۲۳	۱۹	۲۴	۲۰	۲۵	۲۱	۲۶	۲۲	۲۷	۲۳	۲۹
۱۹	۱۸	۲۴	۱۹	۲۴	۲۰	۲۵	۲۱	۲۶	۲۲	۲۷	۲۳	۲۸	۲۴	۳۰
۲۰	۱۹	۲۵	۲۰	۲۵	۲۱	۲۶	۲۲	۲۷	۲۳	۲۸	۲۴	۲۹	۲۵	۳۱

**مدخل ماهها عددی**

ماه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
محرم	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
صفر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
ربیع الاول	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
ربیع الآخر	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
جمادی الاول	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
جمادی الآخر	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
رجب	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
شعبان	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
رمضان	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
شوال	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
ذوالقعد	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
ذوالحجه	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷

نوع دیگر در استخراج سالهاست  
و این است که در هر سال  
صفت آن را در هر سال  
را در هر سال



## حد و خلدان فرقه‌ها و لذت‌ها و کلیه شایسته

سال اول و دوم و سالی	سال اول و دوم و سالی	سال اول و دوم و سالی	سال اول و دوم و سالی
۱ م	سال اول و دوم و سالی	۱ م	سال اول و دوم و سالی
۲ م	سال اول و دوم و سالی	۲ م	سال اول و دوم و سالی
۳ م	سال اول و دوم و سالی	۳ م	سال اول و دوم و سالی
۴ م	سال اول و دوم و سالی	۴ م	سال اول و دوم و سالی
۵ م	سال اول و دوم و سالی	۵ م	سال اول و دوم و سالی
۶ م	سال اول و دوم و سالی	۶ م	سال اول و دوم و سالی
۷ م	سال اول و دوم و سالی	۷ م	سال اول و دوم و سالی
۸ م	سال اول و دوم و سالی	۸ م	سال اول و دوم و سالی
۹ م	سال اول و دوم و سالی	۹ م	سال اول و دوم و سالی
۱۰ م	سال اول و دوم و سالی	۱۰ م	سال اول و دوم و سالی
۱۱ م	سال اول و دوم و سالی	۱۱ م	سال اول و دوم و سالی
۱۲ م	سال اول و دوم و سالی	۱۲ م	سال اول و دوم و سالی
۱۳ م	سال اول و دوم و سالی	۱۳ م	سال اول و دوم و سالی
۱۴ م	سال اول و دوم و سالی	۱۴ م	سال اول و دوم و سالی
۱۵ م	سال اول و دوم و سالی	۱۵ م	سال اول و دوم و سالی
۱۶ م	سال اول و دوم و سالی	۱۶ م	سال اول و دوم و سالی
۱۷ م	سال اول و دوم و سالی	۱۷ م	سال اول و دوم و سالی
۱۸ م	سال اول و دوم و سالی	۱۸ م	سال اول و دوم و سالی
۱۹ م	سال اول و دوم و سالی	۱۹ م	سال اول و دوم و سالی
۲۰ م	سال اول و دوم و سالی	۲۰ م	سال اول و دوم و سالی
۲۱ م	سال اول و دوم و سالی	۲۱ م	سال اول و دوم و سالی
۲۲ م	سال اول و دوم و سالی	۲۲ م	سال اول و دوم و سالی
۲۳ م	سال اول و دوم و سالی	۲۳ م	سال اول و دوم و سالی
۲۴ م	سال اول و دوم و سالی	۲۴ م	سال اول و دوم و سالی
۲۵ م	سال اول و دوم و سالی	۲۵ م	سال اول و دوم و سالی
۲۶ م	سال اول و دوم و سالی	۲۶ م	سال اول و دوم و سالی
۲۷ م	سال اول و دوم و سالی	۲۷ م	سال اول و دوم و سالی
۲۸ م	سال اول و دوم و سالی	۲۸ م	سال اول و دوم و سالی
۲۹ م	سال اول و دوم و سالی	۲۹ م	سال اول و دوم و سالی
۳۰ م	سال اول و دوم و سالی	۳۰ م	سال اول و دوم و سالی

## باب دوم در دایره که

تعلق بطالع عالم دارد احکام میان گویند که در مبدأ ایام عالم تسیرات و انتقالات و فرودات در اول حمل بوده است و از مبدأ عالم تا مبدأ تاریخ ملکی صد و هشتاد و چهار روز و هشتاد و سه سال شمسی تمام گذشته است اما **تسیرات** عالم بنزدیک ایشان چهار است **اعظم** که بهر هزار سال شمسی یک درجه از فلک البروج رود و **اکبر** که بهر صد سال درجه رود و **اوسط** که بهر ده سال که درجه رود و **اصغر** که بهر یک سال درجه رود و تسیری دیگر باشد طالع تحویل هر سال را بسیر وسط اما می‌راند و **انتقالات** هم چهار است **اعظم** که بهر هزار سال شمسی یک درجه رود و **اکبر** که بهر صد سال برجی و **اوسط** که بهر ده سال برجی و **اصغر** که بهر یک سال برجی رود و **فرودات** عالم پنج باشد اول فرود از اعظم که هر سیصد و شصت سال شمسی برجی و کوکی دهند ابتدا از حمل و زحل بود از آن شود و مشتری و همچنین بتوالی بروج و افلاک و لامحاله بعد از سی هزار و دویست و چهل سال شمسی دراز سرگرد و اتمامت یک دور در مجموع و مبسوطه وضع کرده ایم تا چون سه هزار سال شمسی برتاریخ ناقصه ملکی افزایند و حاصل در جدول مجموعه درآیند بروج و کوکی فرود اعظم معلوم کنند و از مبسوطه درجات آن بروج معلوم کنند **دوم** فرود از اکبر است که در ده سال شمسی حمل را دهند و یازده سال ثور را و همچنین بتوالی یک بروج و نقصان یک سال و آخر حرکت یک سال باشد و مجموع هفتاد و هشت سال شود و ملحد و بی وضع کرده ایم که چون بیست و دو سال برتاریخ ملکی افزایند و از حاصل هفتاد و هشت مرتبه

احکام سال که صد و سیصد و هشتاد و سه سال  
 سیصد و هشتاد و سه سال که اول بوده است  
 تا اول سال و اول سال  
 تا اول سال و اول سال  
 تا اول سال و اول سال  
 تا اول سال و اول سال

دو هزار و هشتصد و هشتاد و سه

حاصل	اساع	امام	ساعا	دوات	نوا
۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰





نَهْأَلَه  
أَلْمَفْطَلَه